یادداشت

بنزین‌وبنز

ادامه از صفحه اول

اگر جعفر و یوسف رابطه دوستی و فامیلی با رئیس‌جمهور دارند و این قابل احترام است، نمی‌دانم چه صفتی بر اسماعیل رواست که نه درس آن را خوانده، نه ایده آن را دارد و نه تجربه در کار خطیری مثل انرژی و نه دوستی و فامیلی با رئیس‌جمهور و البته تنها به دنبال افزایش قیمت است که قاچاق نشود، بدیهی است که هرگز نمی‌توان بنزین را به قیمت صد هزار تومان رساند و جرئت آن هم نیست و آخر هم رئیس‌جمهور گفتند فقط پنج هزار تومانی‌ها ۱۰ هزار تومان می‌شود. این را می‌گویند بهینه‌سازی انرژی درحالی‌که در ماده ۴۶ قانون برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت حدود پنج صفحه راهکارهای لازم نوشته شده است و به آن اعتنایی نمی‌شود. شاید علت از ما باشد که از خروس انتظار تخم دوزرده داریم. این تلخ‌زبانی و کژاندیشی را به آن خاطر آوردم که بگویم در موضوع بنزین که اصلا بحرانی در آن نمی‌تواند باشد، به دست خود بحران می‌آفرینیم، حال اگر بحران واقعی -که چندان دور نیست- پیش بیاید چه خواهیم کرد. همه اینها خطاب به رئیس دولت و رئیس مجلس است که اعتقاد دارم به فکر صلاح جامعه هستند، وگرنه کاری به کار یاوه‌گویان ظاهرا انقلابی، که هر حرف و هر قدمشان خسارت‌های هنگفت به کشور وارد کرده و با لباس آراسته و ظاهر انقلابی در زیر کولر با کلمات مطنطن خود را انقلابی می‌نامند و به فتح‌الفتوح دنیاگشایی تظاهر می‌کنند و خون و جان و سرزمین مردم و ایران را بازیچه گرفته‌اند کاری ندارم. سخنم با دلسوزان است که به مردم اعتماد کنند، از مردم نهراسند و سیاست‌های عادلانه حتی با چاشنی عدم اسراف و کم‌برخورداری پیشه کنند و به مردم اعلام کنند. مردم همکاری می‌کنند و کشور را نگه می‌دارند. اگر به آیات و احادیث و نهج‌البلاغه که می‌خوانند معتقد باشند که هستند، باید بدانند مصداق‌های عملی آن بیانات را باید پیاده کنند، و الا دانستن با ندانستن فرقی نمی‌کند و فقط تظاهر آن می‌ماند که سرانجام دشواری آن گریبانشان را خواهد گرفت.

چرا قاضی نباید صورت‌جلسه بنویسد؟

ادامه از صفحه اول

وجود یک فایل صوتی مستقل، بسیاری از این اختلافات را در همان مرحله حل یا دست‌کم محدود می‌کند. در نتیجه، علاوه بر افزایش دقت دادرسی، بار رسیدگی در مراحل بالاتر نیز کاهش خواهد یافت.

سوم؛ افزایش کیفیت داده و قابلیت نظارت

ثبت مستقل همراه با سیستم صوتی، تنها ابزار اثباتی برای طرفین نیست؛ بلکه یک ابزار مدیریتی برای دستگاه قضائی نیز محسوب می‌شود. چنین سیستمی امکان بازرسی تصادفی، ارزیابی کیفیت دادرسی و استخراج داده برای سیاست‌گذاری قضائی را فراهم می‌کند. در مقابل، هنگامی که ثبت اظهارات صرفا وابسته به نوشته قاضی باشد، امکان ارزیابی مستقل کیفیت ثبت بسیار محدود می‌شود.

چهارم؛ اعتماد عمومی و کاهش شائبه

ثبت مستقل اظهارات، یک اثر مهم دیگر نیز دارد: از خود قاضی محافظت می‌کند. وقتی یک سیستم مستقل وجود داشته باشد، قاضی کمتر در معرض این شائبه قرار می‌گیرد که اظهارات طرفین را عمدا یا سهوا تغییر داده یا بخشی از آن را حذف کرده است. از سوی دیگر، طرفین نیز اطمینان پیدا می‌کنند که آنچه گفته‌اند، در یک منبع مستقل محفوظ مانده است. این سازوکار، در نهایت می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی و تقویت مشروعیت نظام قضائی کمک کند. بنابراین سیاست مطلوب قضائی آن است که ترکیب «منشی مستقل + سیستم صوتی قابل‌دسترسی» در تمام شعب مدنی و کیفری به یک استاندارد عمومی تبدیل شود و شاخص‌های عملکردی نیز صرفا براساس سرعت صدور رأی تعریف نشوند؛ بلکه کیفیت ثبت اظهارات و کیفیت دادرسی نیز در ارزیابی عملکرد مورد توجه قرار گیرد.

از منظر مقنن؛ قانون باید استاندارد را الزام‌آور کند

اگر قرار باشد این استاندارد از سطح توصیه و رویه حرفه‌ای فراتر رود، نقش قانون‌گذار تعیین‌کننده خواهد بود. مقنن باید قواعدی وضع کند که از یک سو اصول دادرسی عادلانه را تضمین کند و از سوی دیگر، برای رعایت این قواعد ضمانت اجرای مؤثر پیش‌بینی کند. در این زمینه، چند پیشنهاد تقنینی مشخص قابل طرح است:

۱. ممنوعیت صریح

در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری؛ مقرر شود که تنظیم صورت‌جلسه اظهارات طرفین و شهود، منحصرا توسط منشی دادگاه انجام شود و قاضی حق نوشتن مستقیم اظهارات را نداشته باشد.

۲. الزام به ضبط صوتی

در تمام جلساتی که در آنها اظهارات ماهوی مطرح می‌شود، ضبط صوتی جلسه اجباری باشد.

فایل صوتی باید جزء لاینفک پرونده محسوب شود و طرفین نیز حق دسترسی و دریافت نسخه‌ای از آن را داشته باشند.

۳. اعتبار شکلی

صورت‌جلسه‌ای که بدون امضای منشی یا بدون وجود فایل صوتی تنظیم شده باشد، از اعتبار ساقط یا دست‌کم قابل ایراد باشد.

همچنین در مرحله بالاتر، یکی از جهات نقض رأی می‌تواند «ثبت غیراستاندارد اظهارات» باشد.

۴. دسترسی و استناد

قانون باید صراحتا مقرر کند که فایل صوتی قابل استناد است و در صورت تعارض میان نوشته و صدا، اولویت با فایل صوتی باشد؛ مگر در موارد استثنائی که قانون تعیین کند.

۵. ضمانت اجرای انتظامی و سیستمی

انجام امر ثبت توسط قاضی به جای منشی، تخلف انتظامی محسوب شود. از سوی دیگر، سامانه مدیریت پرونده نیز باید به‌گونه‌ای طراحی شود که ثبت اظهارات صرفا از طریق حساب کاربری منشی امکان‌پذیر باشد. در این صورت، قانون تنها یک تکلیف کلی ایجاد نکرده، بلکه ساختار فنی و انتظامی لازم برای اجرای آن را نیز پیش‌بینی خواهد کرد. این قواعد، هم از نظر هنجاری با اصول دادرسی مدنی و کیفری سازگار هستند و هم از نظر اجرایی، سیستم را وادار می‌کنند که یک استاندارد روشن، قابل کنترل و قابل سنجش را رعایت کند.

جمع‌بندی؛ سه منظر، یک نتیجه

مسئله ثبت اظهارات در دادگاه را می‌توان از سه زاویه متفاوت بررسی کرد: آیین دادرسی، سیاست‌گذاری قضائی و قانون‌گذاری. از منظر آیین دادرسی مدنی و کیفری، ثبت اظهارات توسط قاضی با اصول بی‌طرفی، تناظر و حق دفاع مؤثر در تعارض قرار می‌گیرد؛ زیرا یک شخص هم‌زمان در جایگاه شنونده و ارزیابی‌کننده و ثبت‌کننده قرار می‌گیرد و امکان نظارت دقیق طرفین بر آنچه در صورت‌جلسه منعکس می‌شود، کاهش می‌یابد. از منظر سیاست‌گذار قضائی، این روش ناکارآمد و پرهزینه است؛ زیرا زمان و ظرفیت قاضی را کاهش می‌دهد، امکان بروز اختلاف درباره محتوای اظهارات را افزایش می‌دهد و قابلیت نظارت و ارزیابی کیفیت دادرسی را محدود می‌کند. و از منظر مقنن، این استاندارد باید با قواعد صریح، ضمانت اجرای شکلی و انتظامی و الزام به استفاده از سیستم صوتی مستقل، از یک ترجیح حرفه‌ای به یک قاعده الزام‌آور قانونی تبدیل شود. در واقع، اگر قرار است دادرسی مدنی و کیفری دقیق، شفاف و قابل اعتماد باشد، باید میان «قضاوت» و «ثبت» تفکیک روشنی وجود داشته باشد. قاضی باید قاضی بماند؛ منشی باید ثبت‌کننده باشد و سیستم صوتی مستقل باید حافظ آن چیزی باشد که واقعا در جلسه گفته شده است. نتیجه چنین تفکیکی، نه‌تنها حمایت بیشتر از حقوق اصحاب دعوا، بلکه دادرسی دقیق‌تر، سریع‌تر، شفاف‌تر و قابل‌اعتمادتر خواهد بود.

داده‌های ماهواره‌ای نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی کشورهای در حال جنگ با روایت دولت‌ها متناقض است

پیدا و پنهان اقتصاد روسیه

امیررضا انگجی

تحلیل عملکرد واقعی اقتصادهای متمرکز و تحت کنترل دولت در زمان جنگ، همواره یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های پیش‌روی اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بین‌المللی بوده است. پس از آغاز تهاجم همه‌جانبه روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ و اعمال تحریم‌های بی‌سابقه بین‌المللی توسط کشورهای غربی، دستگاه‌های آماری رسمی روسیه، به‌ویژه سازمان آمار دولتی این کشور، تصویری کاملا باثبات، تاب‌آور و حتی روبه‌رشد از اقتصاد ملی ارائه داده‌اند. براساس آمارهای رسمی منتشرشده از سوی مسکو، اقتصاد روسیه در سال ۲۰۲۲ تنها دچار یک رکود خفیف شد و متعاقبا در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ با نرخ‌های رشد خیره‌کننده بیش از ۳.۵ تا ۴ درصد به مسیر رونق بازگشت. با این حال، تحلیل این ارقام رسمی با واقعیت‌های ملموس میدانی و شاخص‌های مستقل بین‌المللی، شک و تردیدهای عمیقی را در میان پژوهشگران ایجاد کرده است. در گزارش جدید منتشرشده در پایگاه تحلیلی VoxEU وابسته به مرکز تحقیقات سیاست اقتصادی، چهار پژوهشگر برجسته با بهره‌گیری از داده‌های سنجش از دور ماهواره‌ای و روشنایی شبانه، ابزار نوینی برای راستی‌آزمایی روایت رسمی دولت روسیه ارائه کرده‌اند. پژوهش آنان با استفاده از داده‌های شدت روشنایی شبانه، خبر از افت فعالیت‌های اقتصادی، رکود پنهان و نابرابری‌های روبه‌رشد منطقه‌ای می‌دهد.

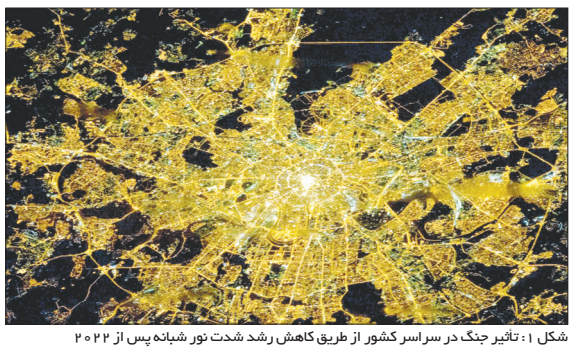

شکل ۱: تأثیر جنگ در سراسر کشور از طریق کاهش رشد شدت نور شبانه پس از ۲۰۲۲

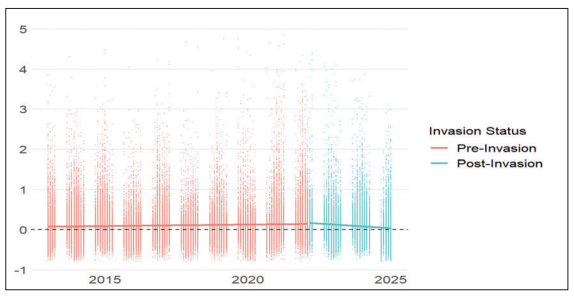

سنجش آمار دولتی

گزارش با یک پرسش بسیار مهم آغاز می‌شود: جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب واقعا چه اثری بر اقتصاد روسیه گذاشته‌اند؟ پاسخ‌دادن به این پرسش ساده نیست، زیرا پس از آغاز جنگ روسیه با اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲، روسیه انتشار بخشی از آمارهای ملی و منطقه‌ای خود را متوقف کرد. علاوه بر این، حتی آماری که همچنان منتشر می‌شود نیز الزاما قابل اعتماد نیست. نویسندگان استدلال می‌کنند که دولت روسیه انگیزه‌هایی برای ارائه تصویری بهتر از وضعیت اقتصادی دارد؛ زیرا آمار اقتصادی مطلوب می‌تواند هم حمایت داخلی از جنگ را حفظ کند و هم به اوکراین و کشورهای غربی این پیام را بدهد که روسیه منابع کافی برای ادامه جنگ دارد. آمار رسمی روسیه در نگاه اول تصویر نسبتا مثبتی از اقتصاد این کشور ارائه می‌کند. براساس آمار رسمی، اقتصاد روسیه در سال ۲۰۲۲ فقط ۱.۲ درصد کوچک شده و سپس در سال ۲۰۲۳ رشد ۳.۶ درصدی و در سال ۲۰۲۴ رشد ۴.۱ درصدی را به ثبت رسانده است. حتی برای سال ۲۰۲۵ نیز رشد حدود یک درصدی گزارش شده است. بنابراین اگر صرفا به GDP رسمی نگاه کنیم، داستان این‌گونه به نظر می‌رسد که اقتصاد روسیه در سال اول جنگ دچار رکودی نسبتا محدود شد و سپس تقریبا به‌طورکامل خود را بازیابی کرد. چنین ارقامی این تصور را ایجاد می‌کنند که تحریم‌های غرب، قطع ارتباط با بخش بزرگی از اقتصاد جهانی و هزینه‌های جنگ اثر بسیار محدودی بر اقتصاد روسیه داشته‌اند اما نویسندگان گزارش دقیقا همین روایت را به چالش می‌کشند. اگر آمار رسمی به‌طورکامل باورپذیر نباشد، چگونه می‌توان فعالیت اقتصادی واقعی را اندازه‌گیری کرد؟ پاسخ آنها استفاده از داده‌ای است که دولت روسیه نمی‌تواند آن را دستکاری کند: تصاویر ماهواره‌ای از نورهای شبانه شهرها. ایده پشت این روش ساده اما قدرتمند است. فعالیت اقتصادی انسان‌ها در شب با تولید نور همراه است؛ کارخانه‌ها، فروشگاه‌ها، ساختمان‌های اداری، خیابان‌ها، مراکز تجاری و سایر فعالیت‌های شهری نور تولید می‌کنند. بنابراین میزان نور مشاهده‌شده از فضا می‌تواند به‌عنوان یک شاخص جانشین برای میزان فعالیت اقتصادی استفاده شود.

مزیت بسیار مهم این روش آن است که داده‌ها مستقیم از روی زمین و توسط دولت روسیه گزارش نمی‌شوند. نویسندگان از داده‌های پروژه NASA Black Marble استفاده کرده‌اند. آنها داده‌های نور شبانه روسیه را از ژانویه ۲۰۱۲ تا ژانویه ۲۰۲۵ جمع‌آوری کرده‌اند؛ بنابراین مجموعه داده آنها تقریبا ۱۳ سال را پوشش می‌دهد و هم دوره طولانی قبل از جنگ و هم بیش از سه سال پس از آغاز جنگ را دربر می‌گیرد. البته ماه‌های تابستانی از تحلیل کنار گذاشته شده‌اند، زیرا در مناطق شمالی روسیه شب‌ها به اندازه کافی تاریک نیستند و این مسئله می‌تواند اندازه‌گیری نور شبانه را مختل کند. از نظر جغرافیایی نیز داده‌های پژوهش بسیار گسترده است. نویسندگان اطلاعات ماهواره‌ای را با داده‌های جغرافیایی مربوط به هزار و ۵۸ شهر روسیه ترکیب کرده‌اند. بنابراین واحد تحلیل صرفا اقتصاد کل روسیه نیست؛ بلکه هزاران مشاهده در سطح شهرها و مناطق مختلف کشور وجود دارد. این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا به پژوهشگران اجازه می‌دهد علاوه بر پاسخ‌دادن به این سؤال که «آیا اقتصاد روسیه در مجموع آسیب دیده است»، سؤال مهم‌تری را نیز بررسی کنند: کدام مناطق روسیه آسیب دیده‌اند و کدام مناطق از جنگ و تحریم‌ها منتفع شده‌اند؟

نویسندگان برای شناسایی اثر جنگ، ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ را به‌عنوان یک نقطه گسست زمانی در نظر می‌گیرند. به بیان ساده، آنها رفتار نور شبانه شهرهای روسیه را قبل و بعد از این تاریخ مقایسه می‌کنند. متغیر اصلی آنها رشد سال‌به‌سال نور شبانه است؛ یعنی بررسی می‌کنند که روشنایی یک شهر در یک مقطع زمانی نسبت به دوره مشابه قبلی چگونه تغییر کرده است. این روش باعث می‌شود بتوانند بررسی کنند که آیا پس از آغاز جنگ، روند فعالیت اقتصادی تغییر کرده است یا خیر؟

پشت پرده رشد اقتصادی روسیه

نتیجه اصلی بسیار متفاوت از آمار رسمی است. داده‌های نور شبانه نشان می‌دهند که پس از آغاز جنگ، رشد فعالیت اقتصادی در روسیه به‌طور معناداری کاهش یافته است. نکته مهم این است که نویسندگان این کاهش را صرفا یک شوک موقت نمی‌دانند. آمار مربوط به اثر جنگ در سطح ملی نشان می‌دهد که کاهش فعالیت اقتصادی مشاهده‌شده در نور شبانه پایدار بوده و صرفا یک افت کوتاه‌مدت در ماه‌های نخست جنگ نبوده است؛ بنابراین اگر GDP رسمی می‌گوید روسیه پس از شوک اولیه به‌سرعت به مسیر رشد بازگشته، داده‌های ماهواره‌ای داستان متفاوتی را روایت می‌کنند. این تفاوت را می‌توان به شکل بسیار ساده‌ای بیان کرد. براساس آمار رسمی، اقتصاد روسیه از افت ۱.۲ درصدی در ۲۰۲۲ به رشد ۳.۶ درصدی در ۲۰۲۳ و ۴.۱ درصدی در ۲۰۲۴ رسیده است. اما شاخص نور شبانه نشان می‌دهد که پس از جنگ، روند رشد فعالیت اقتصادی به‌طور قابل‌توجهی کند شده و در مسیر نزولی است.

یکی دیگر از مهم‌ترین یافته‌ها این است که اثر جنگ در سراسر روسیه یکسان نبوده است. اگر فقط GDP را نگاه کنیم، تمام روسیه را یک واحد اقتصادی فرض می‌کنیم؛ اما داده‌های هزار و ۵۸ شهر نشان می‌دهند که جنگ باعث ایجاد تعداد زیادی برنده و بازنده منطقه‌ای شده است. الگوی کلی بسیار روشن است: مناطق غربی روسیه بیشتر آسیب دیده‌اند، درحالی‌که بخش‌هایی از جنوب و شرق روسیه افزایش فعالیت اقتصادی را تجربه کرده‌اند. این یافته در سه سطح مختلف بررسی شده است: سطح شهرها، مناطق فدرال روسیه و حوزه‌های فدرال. هر سه سطح تقریبا همان الگوی جغرافیایی را نشان می‌دهند. علت احتمالی این تفاوت جغرافیایی به ساختار تجارت روسیه مربوط می‌شود. پیش از جنگ، شهرها و مناطق غربی روسیه ارتباط اقتصادی بسیار بیشتری با اروپا داشتند.

تغییر جغرافیای تجاری روسیه

پس از آغاز جنگ و اعمال تحریم‌های گسترده غرب، بسیاری از این جریان‌های تجاری مختل یا متوقف شدند. در مقابل، تحریم‌ها یک انگیزه جدید ایجاد کردند: انتقال تجارت روسیه از مسیر کشورهای تحریم‌کننده به سمت کشورهایی که به تحریم‌های غرب نپیوستند. این کشورها عمدتا در قفقاز، آسیای مرکزی و چین قرار دارند؛ بنابراین جنگ فقط حجم تجارت را تغییر نداد؛ بلکه جغرافیای تجارت روسیه را نیز تغییر داد. مناطقی که به اوکراین، بلاروس، لهستان، استونی و به‌خصوص فنلاند نزدیک هستند، کاهش آماری معناداری را در فعالیت اقتصادی نشان می‌دهند. در مقابل، مناطقی که به چین و به‌خصوص گرجستان نزدیک هستند، افزایش معنادار فعالیت اقتصادی را نشان می‌دهند. به‌طور کلی یافته اصلی گزارش این است که رشد سال‌به‌سال شدت نور شهرها بعد از فوریه ۲۰۲۲ نسبت به روند قبل از جنگ به‌طور معناداری پایین آمده است که نشان‌دهنده کاهش میزان فعالیت‌های اقتصادی و با احتمال زیادی کاهش رشد اقتصادی است؛ چیزی که در آمار بیان نشده و شک و تردید نسبت به آن را افزایش می‌دهد.

نتیجه اصلی گزارش این است که برخلاف آمار رسمی روسیه که از رکود محدود در سال ۲۰۲۲ و سپس رشد در ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ حکایت دارد، داده‌های مستقل شدت نور شبانه برای هزار و ۵۸ شهر روسیه در دوره ژانویه ۲۰۱۲ تا ژانویه ۲۰۲۵ نشان می‌دهد که حمله به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ با کاهش معنادار و پایدار رشد فعالیت اقتصادی همراه بوده است؛ یعنی برخلاف روایت رسمی، اقتصاد روسیه به‌طور کامل به مسیر قبلی خود بازنگشته و در عین حال، این هزینه اقتصادی به شکل یکنواخت توزیع نشده است؛ مناطق غربی و اروپایی روسیه، به‌ویژه مناطق نزدیک اوکراین، بلاروس، لهستان، استونی و مخصوصا فنلاند، کاهش معنادار فعالیت را تجربه کرده‌اند، در حالی که مناطق جنوبی و شرقی، به‌خصوص مناطق نزدیک به گرجستان و چین، افزایش معنادار داشته‌اند. بنابراین پیام نهایی مقاله این است که جنگ نه‌تنها اقتصاد روسیه را کند کرده، بلکه ساختار جغرافیایی آن را نیز تغییر داده است؛ بخشی از هزینه جنگ در هسته اقتصادی و سیاسی غرب روسیه متمرکز شده، درحالی‌که برخی مناطق جنوب و شرق از تغییر مسیر تجارت و احتمالا افزایش تولیدات نظامی منتفع شده‌اند.

منبع:

Barbakadze, I, J Fidrmuc, M Hulényi, and K Kapanadze (2026), “Russias Wartime Economy: Measuring Regional Inequalities From Outer Space”, forthcoming in Journal of Regional Science e70084.

شیوه‌های نوین تأمین مالی مدیریت شهری

سیدمحسن طباطبایی مزدآبادی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه آزاد اسلامی و رئیس انجمن علمی اقتصاد شهری ایران: شهرهای امروز دیگر صرفا محل استقرار جمعیت و زیرساخت نیستند؛ بلکه به یکی از مهم‌ترین میدان‌های نوآوری، فناوری و خلق ارزش اقتصادی تبدیل شده‌اند. بانک جهانی اعلام کرده که امروز بیش از نیمی از جمعیت جهان، یعنی بیش از چهار میلیارد نفر، در شهرها زندگی می‌کنند و شهرها حدود ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را ایجاد می‌کنند. همچنین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت جهان شهرنشین باشند. این روند نشان می‌دهد مدیریت شهری برای پاسخ‌گویی به مسائلی مانند حمل‌ونقل، آلودگی، مصرف انرژی، مدیریت پسماند، بحران آب، خدمات الکترونیک و افزایش کیفیت زندگی، دیگر نمی‌تواند صرفا به بودجه سنتی شهرداری متکی باشد. مسئله اصلی اینجاست که چگونه می‌توان منابع محدود شهری را به سمت نوآوری‌هایی هدایت کرد که بیشترین «ارزش» و کمترین «اتلاف» را ایجاد کنند؟ اینجاست که مفهوم «تفکر ناب» (Lean Thinking) می‌تواند به تأمین مالی نوآوری شهری متصل شود. فلسفه ناب بر حذف فعالیت‌های فاقد ارزش، کاهش اتلاف، کوتاه‌کردن زمان فرایند و تمرکز منابع بر نیاز واقعی مشتری استوار است. اگر شهروند را مشتری و کیفیت زندگی شهری را خروجی نهایی در نظر بگیریم، پروژه نوآورانه شهری زمانی موفق است که با کمترین منابع، بیشترین ارزش قابل اندازه‌گیری را برای شهروند ایجاد کند. در این چارچوب، صندوق‌های پژوهش و فناوری می‌توانند نقش «واسطه مالی نوآوری» را ایفا کنند؛ یعنی به‌جای آنکه شهرداری به‌طور مستقیم منابع خود را در پروژه‌هایی با ریسک بالا هزینه کند، صندوق می‌تواند از مرحله ایده و نمونه اولیه تا تجاری‌سازی و توسعه، منابع مالی و ابزارهای حمایتی مناسب را در اختیار شرکت‌های فناور قرار دهد. تجربه بین‌المللی نیز اهمیت وجود سازوکار مالی مشخص برای نوآوری شهری را تأیید می‌کند. در مطالعه OECD و Bloomberg Philanthropies که ظرفیت نوآوری ۸۹ شهر را بررسی کرد، حدود ۸۰ درصد شهرهای پاسخ‌دهنده اعلام کردند منابع مالی مشخصی برای حمایت از ظرفیت نوآوری دارند و ۹۴ درصد شهرهایی که چنین منابعی داشتند، بخشی از بودجه نوآوری را از بودجه شهرداری تأمین می‌کردند. همچنین ۷۹ درصد منابع نوآوری مستقیما به پروژه‌های مشخص نوآورانه اختصاص یافته بود. اما مسئله مهم این است که صرفا اختصاص بودجه به نوآوری کافی نیست. رویکرد ناب اقتضا می‌کند که «فرایند تخصیص منابع نیز ناب شود». یعنی ابتدا مسئله واقعی شهر شناسایی شود، سپس راه‌حل‌های مختلف طراحی شوند، نمونه اولیه با هزینه پایین آزمایش شود و تنها در صورت اثبات اثربخشی، سرمایه‌گذاری افزایش یابد. برای مثال، اگر یک شهرداری با مشکل افزایش هزینه جمع‌آوری پسماند مواجه است، نباید از ابتدا یک قرارداد چندمیلیاردی برای اجرای یک فناوری جدید منعقد کند. می‌توان ابتدا یک پروژه آزمایشی کوچک در یک منطقه اجرا کرد و شاخص‌هایی مانند کاهش مصرف سوخت، کاهش زمان جمع‌آوری، کاهش تعداد سفر خودروها و میزان رضایت شهروندان اندازه‌گیری شود، در صورت موفقیت، پروژه به مناطق دیگر توسعه یابد.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید